

گسترش نظام سرمایه‌داری

دکتر منوچهر پایور

اعمال طرح‌های مختلف منجمله تأسیس سازمانهای بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول در جهت گسترش نفوذ سرمایه‌داری در جهان گام برداشته‌اند. از دهه ۱۹۶۰ بخش خصوصی در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری امروزه از اقتدار بی‌سابقه‌ای برخوردار شده و «سرمایه» در گوشه و کنار دنیا به دنبال دست‌یابی به درصد سوددهی بیشتر تلاش می‌کند. نظام سرمایه‌داری امروزه وجهه قابل ملاحظه‌ای کسب نموده و در سطح فراملی فعالیت آن گسترش زیادی پیدا کرده است اما ما پیش‌بینی می‌کنیم که دوران رشد و گسترش سرمایه‌داری در چند دهه آتی به پایان خواهد رسید و سرنوشت بازار آزاد یا اقتصاد سرمایه‌داری چندان خوشایند نخواهد بود.

بحث نظری

نظریه‌پردازی در باب علل و عوامل رشد نظام سرمایه‌داری در سطح جهان تابع الگو یا مکتب واحدی نمی‌باشد. آن تعداد

با ایجاد ارتباط نزدیک با کراگران دولتی در جهت پیشبرد منافع خود اقدام مؤثر نمی‌نماید و از این رو برای تحلیل علل و عواملی که در گسترش نظام سرمایه‌داری ایفاء نقش نموده‌اند باید به رابطه میان سرمایه و دولت توجه خاصی مبذول داشت.

تا چند دهه گذشته اقتصاددانان بیشتر به تحلیل عملکرد بازار آزاد در داخل کشورها علاقه نشان می‌دادند لیکن بر اثر تحولات دهه‌های گذشته نظر برخی اقتصاددانان به عملکرد بازار آزاد یا اقتصاد سرمایه‌داری در سطح فراملی جلب شده است. ما در این مقاله می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که چه عواملی موجب رشد و گسترش نظام سرمایه‌داری در سطح جهان گشته و آثار و عواقب این امر کدام است.

از دیدگاه ما از بعد از جنگ جهانی دوم برخی تحولات زمینه را برای رشد و گسترش سرمایه‌داری هموار ساخته است. دو دهه‌های بعد از جنگ دوم جهانی کشورهای سرمایه‌داری به نحو منسجم و با

چکیده:

از چند دهه پیش نظام سرمایه‌داری در سطح فراملی گسترش قابل توجهی پیدا نموده است. از دیدگاه ما رشد و گسترش نظام سرمایه‌داری معلول عواملی چند علی‌الخصوص کاهش نرخ بهره‌وری در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غربی بوده و امروزه در «سرمایه» در نقاط مختلف دنیا اقداماتی جهت تأمین منافع خود و افزایش درصد سوددهی به مرحله اجرا گذاشته است. رشد و نمو نظام سرمایه‌داری موجب افزایش نرخ بیکاری در کشورهای مختلف گردیده و ما به‌طور کلی سرنوشت خوشایندی برای نظام مزبور پیش‌بینی نمی‌کنیم.

گسترش نظام سرمایه‌داری

نظام سرمایه‌داری در واقع به نوعی ساختار اقتصادی اطلاق می‌گردد که در آن عاملین تولید از طریق استخدام نیروی کار و بکار بردن تجهیزات لازمه به دنبال افزایش درصد سوددهی خود هستند. نظام سرمایه‌داری در حقیقت نوعی نظام اقتصادی است اما «سرمایه» در کلیه امور اجتماعی نقش مهم ایفا می‌نماید. «سرمایه»

از نظریه پردازان که از بازار آزاد به عنوان نوعی نظام اقتصادی مناسب و ایده آل یاد می کنند گسترش سرمایه در سطح جهان را معلول میل و اشتیاق (و تهور) قشر سرمایه دار به بهره برداری از بازارهای مختلف دنیا می دانند. از این دیدگاه رشد روابط اقتصادی میان کشورهایی که از تکنولوژی برتر برخوردار هستند با کشورهای که از لحاظ تکنولوژیکی در سطح پایین تری قرار دارند در کل به تأمین منافع طرفین کمک مؤثری می نماید.^(۱) در واقع این نوع رابطه موجبات بهره برداری مناسب از منابع موجود در کشورهای مختلف را پدید می آورد. روابط اقتصادی کشورها موجب «تقسیم کار» میان کشورهای غنی و کشورهای که ثروت کمتری دارند می گردد. قشر سرمایه دار کشورهای غربی چون آمریکا با سرمایه گذاری مستقیم و یا مشارکت با عاملین تولید داخلی در کشورهای دیگر از نرخ پایین کار در این کشورها جهت افزایش میزان تولید خود سود می جوید و در عین حال هم وضعیت اقتصادی کشور میزبان بهبود یافته و رشد اقتصادی آن فزونی می یابد. در کشور میزبان درصد اشتغال افزایش می یابد و به تدریج امکان بهره برداری مفید از منابع داخلی میسر می گردد.

اما در مقابل این تعداد از نظریه پردازان، نظریه پردازان نومارکسیست قرار دارند که گسترش نظام سرمایه داری را معلول چند علی الخصوص کاهش نرخ بهره وری می دانند. «رابرت کاکس» از جمله نظریه پردازان نومارکسیست است که در کتاب «تولید، قدرت و نظام جهانی» علل و عوامل رشد و گسترش نظام سرمایه داری در دهه های اخیر را مورد بررسی قرار داده است.^(۲) «کاکس» بر آن است که به تدریج از دهه ۱۹۶۰ سرمایه در کشورهای غربی با کاهش نرخ بهره وری مواجه شده و برای مقابله با این معضل در جهت دسترسی به بازارهای جهانی و بهره برداری از منابع موجود در کشورهای مختلف دنیا گامهای بلندی برداشته است. از بعد از دهه ۱۹۷۰ سرمایه در کشورهای غربی نتوانسته است از تکنولوژی برتر جهت افزایش تولید و سوددهی استفاده نماید و از این رو به فکر گسترش نفوذ خود در بازارهای موجود دنیا افتاده و در این راستا اقدامات نسبتاً عمده ای به عمل آورده است. سرمایه غربی در کشورهای مختلف از امتیازات ویژه ای برخوردار گشته و با استفاده از امکانات محلی منجمله نرخ پایین کار در پی دستیابی به درصد سوددهی بیشتر بوده است. نظریه «کاکس»، در میان نظریه پردازان نومارکسیست بازتاب گسترده ای یافته است

و در عین حال هم برخی دیگر از نظریه پردازان نومارکسیست چون «آندره گوندر فرانک» در باب علل و عوامل گسترش سرمایه داری و عواقب ناشی از آن به تفصیل سخن گفته اند.

برخی از نظریه پردازان مکتب وابستگی هم علل و عوامل گسترش نظام سرمایه داری در جهان را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده اند.^(۳) باید متذکر شد که به طور کلی نظریه وابستگی بر این مطلب تأکید دارد که قشر سرمایه دار کشورهای جهان توسعه یافته با رخنه در کشورهای جهان سوم منابع داخلی این کشورها را مورد «استثمار» قرار می دهد. یکی از نظریه پردازان این مکتب بنام «امانوئل والرشتین» چگونگی شکل گیری نظام سرمایه داری بین المللی را مورد بررسی قرار داده و مدعی است که از قرن شانزدهم تا به امروز قشر سرمایه دار کشورهای توسعه یافته از طریق ایجاد روابط تجاری با کشورهای دیگر به تأمین منافع خود کمک مؤثر نموده و در عین حال موجب عدم پیشرفت اقتصادی دیگر کشورها را فراهم آورده است. به موجب بررسیهای «الرشتین» کشورهای فعال در نظام سرمایه داری بین المللی به سه گروه تقسیم می شوند: نخست کشورهای عمده سرمایه داری که نقش اساسی در نظام

سرمایه‌داری ایفاء می‌نمایند و با شرکت در مناسبات تجاری بین‌الملل به رشد و توسعه صنایع داخلی خود کمک مؤثر می‌نمایند. دوم کشورهایی که از لحاظ میزان سرمایه و کاربرد تکنولوژی در سطح پایین‌تری در مقایسه با گروه اول قرار دارند (منجمله کشورهای همجوار دریای مدیترانه چون یونان) و سوم کشورهای جهان سوم که کشورهای دیگر از طریق صادرات مواد اولیه از آنها به پیشبرد منافع اقتصادی خود کمک می‌نمایند. نظریه وابستگی از جهاتی با نظریه نو مارکسیستی شباهت دارد. به موجب این دو نظریه سرمایه‌داری عاملی مثبت و پویا تلقی نمی‌شود و به علت تناقض‌های درونی خود ضایعات اجتماعی به وجود می‌آورد که درمان آن بسیار سخت و تقریباً امکان‌ناپذیر می‌باشد. هم قشر سرمایه‌دار و هم قشر کارگر نمی‌توانند به نحو اصولی در جهت تأمین منافع خودگام بردارند و در نتیجه جامعه سیر نزولی طی می‌کند.

از نظر ما نظریه نو مارکسیستی تصویری نسبتاً معقول‌تر از علل و عوامل رشد و گسترش سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر ترسیم می‌نماید. در نظریه بازار آزاد اقتصادی چنین تصور می‌شود که رشد سرمایه داخلی و گسترش نفوذ آن در بازارهای جهانی همواره مفید و نتیجه‌بخش می‌باشد. در نظریه مذکور «تقسیم کار

بین‌المللی» موجب افزایش رشد بخشهای اقتصادی مختلف در کشورهای مختلف و توزیع مناسب منابع و درآمدها بیان شده است. بازار آزاد بین‌الملل به هر کشور امکان می‌دهد تا از مزیت نسبی خود استفاده نماید به این معنی که کشورهای مختلف می‌توانند در جهت رشد و گسترش تولیدات خاص سنتی خود گام بردارند و مثلاً کشورهایی که توانایی تولید بیشتری دارند می‌توانند در زمینه کسب فن‌آوری برتر فعالیت نمایند و از تخصیص منابع موجود داخلی در زمینه‌های متفرقه خودداری ورزند. بدین سان شرکت در بازارهای بین‌المللی برای کلیه کشوره اعم از کشورهای توسعه یافته و کشورهای درحال توسعه مفید تلقی می‌شود. لیکن تجربه نشان داده است که مناسبات کشورهای نیرومند سرمایه‌دار با کشورهای دیگر موجب تمرکز بیشتر سرمایه‌گشته و به‌طور کلی به رشد و توزیع مناسب ثروت و درآمدها میان کشورهای ضعیف کمک مؤثر نمی‌نماید.^(۴) مشارکت کشورهای ضعیف‌تر در بازارهای بین‌المللی سرمایه مستلزم انجام تمهیدات خاصی است و باید با کمال احتیاط و دقت صورت پذیرد. در کشورهای مزبور دولت باید ضوابط خاصی وضع کند که به موجب آن نفوذ سرمایه خارجی تا حدی محدود گشته و در نتیجه منافع کشورهای در معرض خطر قرار

نمی‌گیرد. به موجب نظریه نو مارکسیستی نوعی تناقض درونی در اقتصاد سرمایه‌داری بین‌الملل پیوسته موجب بروز اوضاع نابسامان اقتصادی در کشورهای مختلف می‌گردد. سرمایه همواره با خطر کاهش سوددهی مواجه می‌باشد و هرچند که تا حدودی می‌تواند موجبات تحول و رشد منابع اقتصادی را فراهم آورد لیکن به‌طور کلی از حل اصولی مسائل عاجز می‌ماند. از این دیدگاه سرمایه میل و رغبت بیشتری به دستیابی به بازارهای جهانی در دهه‌های اخیر پیدا کرده تا بدین وسیله بتواند از سیر نزولی درصد سوددهی جلوگیری کند. البته نظریه وابستگی هم به‌نحوی دلایل رشد و گسترش سرمایه را معلوم می‌نماید و از برخی لحاظ می‌توان آن را نظریه‌ای معقول و پسنیدیده برای تبیین موضوع مورد بحث محسوب نمود اما تأکید خاص نظریه وابستگی به نیاز سرمایه به بازارهای جهان سوم تنها برای شناخت بخشی از مسئله مورد نظر ما کاربرد دارد و از این رو ما از نظریه مزبور جهت تبیین موضوع این مقاله استفاده نمی‌نماییم. به‌طور کلی نظریه نو مارکسیستی علل و عوامل رشد و گسترش سرمایه در دهه‌های اخیر را مشخص و معین می‌نماید و ما ذیلاً با ارائه شواهد لازم چگونگی رشد نظام سرمایه‌داری را تبیین می‌نماییم و در آخر هم در مورد سرنوشت نظام سرمایه‌داری در

سالهای آتی به اجمال سخن می‌گوییم.

علت کاهش نرخ سوددهی سرمایه در چند دهه اخیر

چنان‌که گفته شد «کاکس» علل و عوامل رشد و گسترش نظام سرمایه‌داری را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد. وی بر آن است که تدریجاً از دهه ۱۹۶۰ به بعد کاهش نرخ بهره‌وری موجب کاهش نرخ سود شرکت‌های بزرگ غربی شده و به این جهت سرمایه میل و رغبت بیشتری به دست‌یابی به بازارهای جهانی پیدا کرده است. وی در توضیح مسئله مزبور در یک جا چنین اظهار می‌دارد که در دنیای عصر حاضر «طمع و حسرت مادی حرف اول را می‌زند». منظور وی از این سخن تنها این نیست که بر اثر گسترش نظام سرمایه‌داری مسائل مادی در کشورهای مختلف جایگاه مهم و ویژه‌ای به خود اختصاص داده است بلکه وی از موضوع خاص نظری خود «سرمایه» را عاملی قدرتمند در دنیای عصر حاضر محسوب می‌نماید که بر کلیه امور اجتماعی و به خصوص امور سیاسی کشورها تأثیر عمده‌ای بر جا نهاده و آنها را تحت کنترل خود قرار داده است. (۵) البته سخن «کاکس» ممکن است قدری اغراق‌آمیز باشد اما بررسی‌های ما در پایین این مطلب را مشخص خواهد ساخت که سخن «کاکس» چندان هم دور از واقعیت نیست.

از چند دهه پیش تا به امروز نظام سرمایه‌داری رشد و گسترش قابل ملاحظه‌ای در جهان پیدا کرده است و

و سازمان‌های ذی‌ربط خصوصی، در اعمال سیاست‌هایی که به نحوی با اولویتها و اهداف «سرمایه» همخوانی نزدیکی دارد نقش مهمی ایفا می‌نماید. (۶) صندوق بین‌المللی پول کشورها را وادار می‌کنند تا به‌عنوان مثال از افزایش سرمایه‌گذاری دولتی در زمینه‌هایی چون آموزش و بهداشت جلوگیری نمایند و یا در جهت افزایش توان صادرات خود اقدام نموده و با سرمایه‌گذاران خارجی همکاری و مشارکت نمایند. از دو دهه گذشته سازمان‌های رسمی بین‌المللی چون صندوق بین‌المللی پول از «تعدیل اقتصادی» در کشورهای مختلف مجدانه پشتیبانی نموده‌اند. در حقیقت برنامه‌های تعدیل اقتصادی به‌منظور حمایت از عواملی که به رشد «سرمایه» کمک مؤثر می‌نمایند اعمال می‌گردد و شامل پروژه‌هایی چون «خصوصی‌سازی» مؤسسات دولتی و نیمه دولتی می‌شود.

تقریباً از پس از جنگ جهانی دوم سازمان‌های رسمی بین‌المللی در جهت گسترش نفوذ سرمایه در بازارهای مختلف جهان گام برداشته و برای ایجاد امنیت لازم جهت رشد سرمایه در دنیا اقدامات گسترده‌ای به انجام رسانده‌اند. در کنفرانس «بوتن وودز» «هنری مورگنتا» وزیر دارایی آمریکا در سخنرانی خود مطالبی را عنوان نمود که ما را با سمت‌گیری سرمایه از چند دهه قبل تا به امروز آشنا می‌سازد. «مورگنتا» اعلام کرد «امروزه ما باید برای پیشرفت مادی همه کشورها تلاش کنیم و تواناییهای خود را برای بهره‌گیری از ثروت لابتنه‌ای دنیا بالا ببریم». «مورگنتا» از نمایندگان

امروزه در واقع در تعریف اقتصاد سرمایه‌داری باید به ابعاد جهانی آن توجه خاصی مبذول داشت. بعد از جنگ جهانی دوم در کنفرانس «بوتن وودز» دولتهای مختلف جهان تصمیماتی اتخاذ نمودند که به رشد گسترش نظام سرمایه‌داری در دهه‌های آتی کمک مؤثر نمود. در کنفرانس یاد شده کشورها رسماً در مورد اشتراک مساعی در زمینه‌ها مختلف اقتصادی به اتفاق نظر دست یافته و تصمیم گرفتند تا از طریق ایجاد سازمان‌هایی چون صندوق بین‌المللی پول در جهت ایجاد هماهنگی بیشتر بیان سیاست‌های اقتصادی مختلف خود تلاش نمایند. صندوق بین‌المللی پول وظیفه دارد تا به کشورهایی که دچار عدم توازن در پرداختهای خارجی خود هستند کمک مالی و اقتصادی نماید. البته سازمان مزبور در عین حال اهرم‌های مختلفی در اختیار دارد که به وسیله آنها می‌تواند سیاست اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار داده و آنها را در جهت دلخواه خود سوق دهد. صندوق بین‌المللی پول جزء مؤسسات تخصصی سازمان ملل متحد است و به همراه سازمان‌های دیگر تخصصی سازمان ملل متحد در مؤسسات

● نظام سرمایه‌داری در واقع به نوعی ساختار اقتصادی اطلاق می‌گردد که در آن عاملین تولید از طریق استخدام نیروی کار و بکار بردن تجهیزات لازمه به دنبال

حاضر خواست که این اصل مهم اقتصادی را در نظر بگیرند که «رونق اقتصادی کشورها حد و مرزی نمی‌شناسد و کشورها باید همگی دست به دست هم بدهند تا در امر بهره‌گیری از ثروت لاتیناهی دنیا مشارکت نمایند».^(۷)

در همین حال در کنار سازمانهای رسمی بین‌المللی و همینطور سازمانهای مشابهی که در سطح منطقه‌ای فعالیت می‌نمایند شرکت‌های خصوصی تولیدی و عوامل دیگری چون بانکهای خصوصی بین‌المللی در رشد و توسعه نظام سرمایه‌داری در جهان نقش عمده‌ای ایفا نموده‌اند.^(۸) در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ شرکت‌های چند ملیتی در گسترش نظام سرمایه‌داری در جهان ایفاء نقش می‌نمودند. در دوران یاد شده تعداد کمپانیهای چند ملیتی آمریکای شمالی از سایر نقاط دیگر دنیا بیشتر بود و این کمپانیها بیشتر به مناطق توسعه یافته توجه داشته و در آنجا فعالیت می‌نمودند اما تحولات دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ موجب شد تا کمپانیهای مزبور در نقاط دیگر دنیا نیز فعالیت نمایند. در دهه ۱۹۷۰ کمپانیهای بزرگ کشورهای غربی با کاهش نرخ مازاد اقتصادی روبرو و مجبور شدند که از ماشین‌آلات استفاده بیشتری ببرند و یا از کشور خود که به کشورهای دیگر کوچ کنند. بدین طریق بسیاری از کمپانیهای یاد شده به کمپانیهای چند ملیتی تبدیل شدند و به‌طور

نسبی میزان سرمایه‌گذاری خارجی در دهه ۱۹۷۰ افزایش قابل توجهی یافت.

تعدادی از کمپانیهای بزرگ چند ملیتی را باید کمپانیهای جهانی خواند. رشد کمپانیهای جهانی معلول عواملی چون گسترش ارتباطات و تکنولوژی پیشرفته در زمینه اطلاعات‌رسانی و تحولات در زمینه سازماندهی کمپانیها و ایجاد مراکز کار منطقه‌ای و ظهور و رشد بازارهای سرمایه بین‌المللی بوده است.

محصولات کمپانیهای جهانی مشخصات مشابهی دارند. همچنین تولیدات این کمپانیها در سطح منطقه‌ای و یا حتی جهانی سازمان‌دهی می‌شود. کمپانیهای مزبور توانسته‌اند بازارهای داخلی خود را تشکیل دهند. بازارهای داخلی این شرکتها رشد قابل ملاحظه‌ای یافته است. مثلاً در آمریکا در سال ۱۹۸۵ میزان مبادلات داخلی بین شرکت‌های جهانی معادل ۴۰ درصد از کل واردات و ۳۱ درصد از کل صادرات کشور را تشکیل می‌داد. بر اساس برخی از محاسبات انجام شده مبادلات داخلی شرکت‌های بزرگ معادل ۳۰ و یا ۴۰ درصد از کل تجارت دنیا را شامل می‌شود.

یکی دیگر از عواملی که به رشد گسترش سرمایه‌داری در جهان کمک مؤثر نموده «کارخانه‌های جهانی» است. کارخانه‌های جهانی شامل کارخانه‌هایی

می‌شود که در سطح جهان فعالیت نموده و حیطه عملکرد آنها شامل کشورهای جهان سوم نیز می‌شود. یکی از عوامل نمونه‌های این نوع کارخانه‌ها کارخانه اتومبیل‌سازی «فورد» می‌باشد. کمپانی «فورد» اکنون ششمین شرکت بزرگ دنیا بشمار می‌آید. این کمپانی ۳۷۰،۰۰۰ کارمند دارد و ۵۳ درصد از کارکنان آن در کشورهای خارجی مشغول به کار هستند. کمپانی فورد از مدتها پیش از تولیدات خود را در سطح فراملی سازمان‌دهی نموده است. حتی در سال ۱۹۳۰ صنایع موتوژ کمپانی فورد در ۲۰ کشور فعالیت می‌نمودند و از دهه ۱۹۶۰ میزان فعالیت این کمپانی در مناطق مختلف گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است. در سال ۱۹۷۶ کمپانی فورد اتومبیل «فیستا» را به بازارهای داخلی کشورهای اروپایی عرضه نمود. کاربراتور اتومبیل فیستا در شهر بلفست ساخته شده و دیگر اجزاء این نوع اتومبیل در کشورهای چون انگلستان، آلمان و اسپانیا ساخته می‌شد. در سال ۱۹۸۸ صنایع اتومبیل‌سازی کمپانی فورد با دیگر صنایع این کمپانی در کشورهای چون مکزیک و برزیل ادغام شدند.

رشد «کشورهای تازه صنعتی شده» نیز به گسترش سرمایه‌داری و نفوذ آن در جوامع مختلف کمک نموده است. طی دهه ۱۹۷۰ وضع اقتصادی برخی از این کشورها به‌طور بارزی بهبود یافت. «چهار بزرگ کوچک

دنیا» یعنی هنگ کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان از رشد اقتصادی در خور توجهی برخوردار بوده‌اند. این کشورها با توسعه بخش صادرات خارجی خود توانسته‌اند به موقعیت اقتصادی مناسبتری دست یابند. در عین حال هم برخی دیگر از کشورهای جهان سوم مانند برزیل و مکزیک توانسته‌اند از موقعیت اقتصادی مناسبتری بهره‌مند گردند. به‌طور کلی در این تعداد از کشورها تحولات اقتصادی منجر به رشد و توزیع مناسب منابع گشته و در عین حال هم از جهاتی موجبات تعمیق نظام سرمایه‌داری در سطح جهان را فراهم آورده است.

در دهه ۱۹۸۰ برخی تحولات باعث ایجاد تنگناهایی برای گسترش نظام سرمایه‌داری گردید و به این لحاظ میزان سرمایه‌گذاری خارجی قدری کاهش پیدا کرد. طی سالهای دهه ۱۹۸۰ سرمایه‌گذاری خارجی به همت کشورهای غربی علی‌الخصوص آمریکا روانه شد و سرمایه در کشورهای غربی به خصوص کشورهای غرب اروپا (به‌ویژه انگلستان، فرانسه و آلمان) تمرکز پیدا کرد.

در کنار کمپانیهای خصوصی، شرکتها و عوامل اقتصادی که در زمینه ارائه خدمات بین‌المللی به خصوص خدمات مالی فعالیت دارند گسترش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده‌اند. از دهه ۱۹۷۰ مؤسسات خصوص

مالی بین‌الملل خصوصاً بانکهای اروپایی با گسترش فعالیتهای خود منجمه اعطاء وامهای کلان به کشورهای چون برزیل و مکزیک به گسترش سرمایه در سطح جهان کمک نموده‌اند.

به‌طور کلی نظام سرمایه‌داری بر اثر فعالیت سازمانهای رسمی جهانی و منطقه‌ای و شرکتهای تولیدی خصوصی و بانکهای بین‌المللی گسترش قابل ملاحظه‌ای در دهه‌های اخیر پیدا کرده است. هر چند که گسترش نفوذ سرمایه برای برخی از مردم دنیا مفید بوده است لیکن برای برخی دیگر از مردم بسیار مضر بوده است. یکی از عواقب ناخوشایند تغییر و تحول در اقتصاد سرمایه‌داری بین‌الملل افزایش درصد بیکاری در کشورهای مختلف می‌باشد و به‌طور کلی سطح زندگی بسیاری از مردم دنیا که در کشورهای جهان

سوم زندگی می‌کنند تنزل یافته و یا دست کم رشد چندان مناسبی نداشته است. البته روند رو به رشد سرمایه بین‌المللی بر چگونگی تخصیص منابع دولتی هم تأثیر بر جای نهاده و به‌عنوان مثال موجب شده است تا دولت‌ها از بودجه رفاهی خود بکاهند. هم در کشورهای توسعه یافته و هم در کشورهای جهان سوم چنین روندی دیده می‌شود. مثلاً در دوران ریاست جمهوری «ریگان» و «بوش» دولت آمریکا اقدام به کاهش هزینه‌های رفاهی نموده و در کشورهای جهان سوم منجمه کشورهای آمریکای جنوبی چون شیلی هم دولت اقدام به کاهش بودجه رفاهی نموده است. تحولات جاری در نظام سرمایه‌داری و گسترش نفوذ سرمایه از لحاظ فرهنگی نیز جالب و در خور توجه می‌باشد. سرمایه می‌کوشد تا مشتریان بیشتری برای کالاهای

گوناگون خود در سطح جهان بیابد در این جهت از ترویج اصول فرهنگی جدید و «مدرن» در جوامع مختلف حمایت به عمل می‌آورد. مثلاً کمپانیهای بزرگ از طریق تبلیغات اقدام به ترویج موسیقی غربی می‌نمایند.

سرنوشت نظام سرمایه‌داری

اما سرنوشت نظام سرمایه‌داری در آینده چگونه خواهد بود؟ قطعاً سرمایه‌کماکان به گسترش نفوذ خود در بازارهای مختلف جهان ادامه خواهد داد چون از این راه می‌تواند سهل‌تر منافع خود را تأمین نماید. سرمایه در واقع بر اساس دستیابی به نرخ پایین فاکتورهایی که در امر تولید نقش کلیدی ایفا می‌نمایند منجمله نرخ پایین کار، می‌تواند منافع خود را تأمین نموده و درصد سود خود را افزایش دهد. چون در حال حاضر نرخ کار در کشورهای درحال توسعه پایین‌تر از نرخ کار در کشورهای بزرگ سرمایه‌داری غربی است و حتی سرمایه می‌تواند هزینه کمتری صرف مواردی چون اجرای ضوابط و مقررات زیست محیطی در کشورهای یاد شده نماید احتمالاً به فعالیتهای خود در کشورهای دیگر ادامه خواهد داد. نظام سرمایه‌داری در این رهگذر به رشد قابلیت‌های بالقوه تولیدی در کشورها کمک خواهد کرد و از جهاتی هم

مشارکت با عاملین تولید داخلی در کشورهای دیگر از نرخ پایین کار در این کشورها جهت افزایش میزان تولید خود سود می‌جوید و در عین حال هم وضعیت اقتصادی کشور میزبان بهبود یافته و رشد اقتصادی آن فزونی می‌یابد.

موجبات توزیع مناسب درآمدها میان اقشار مختلف جوامع بشری را فراهم خواهد آورد. مع الوصف نظام سرمایه‌داری مشکلات عدیده و عمده‌ای برای جوامع مختلف بوجود خواهد آورد و به‌طور کلی می‌توان گفت که مضرات آن بیشتر از فواید آن خواهد بود.

«آدام اسمیت» اقتصاددان انگلیسی در کتاب «ثروت ملل» در مورد مبانی بازار آزاد و امتیازات آن سخن گفته و در بررسیهای خود بر این مطلب تأکید می‌نماید که در بازار آزاد دستی‌نامرئی اعمال و رفتار مختلف تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان را با هم هم‌آهنگ می‌سازد و از این جهت نتایج مفیدی عاید افراد می‌گردد. امروزه هم نظریه بازار آزاد بر این مطلب تأکید دارد که رشد و توسعه تولیدات و متعاقباً عرضه آنها در بازارهای مختلف با تقاضای مؤثر به‌صورت موزون تغییر می‌یابد و در نتیجه

افرادی که در زمینه‌های مختلف اقتصادی فعالیت نمی‌نمایند می‌توانند به نتایج دلخواه خود دست یافته و به‌نحو معقول و مناسبی در جهت تأمین منافع خود گام بردارند. برخی از اقتصاددانان عصر حاضر چون «میلتون فریدمن» هر نوع الگوی اقتصادی بجز الگوی بازار آزاد را مردود شمرده و معتقدند نظام سرمایه‌داری فواید بی‌همتا و غیرقابل انکاری برای بشر به ارمغان آورده است.^(۹) برخی از اقتصاددانان بازار آزاد را عاملی مهم در اعتلاء تمدن بشدی می‌دانند. البته از نظر برخی اندیشمندان و متخصصین بازار آزاد موجود اوضاع نابسامان اقتصادی بوده و باید نظام دیگری جایگزین آن گردد. اندیشمندان و متفکرین نومارکسیست نظام سرمایه‌داری را نظامی بحران‌زا و در نهایت نامعقول و غیرقابل قبول بشمار می‌آورند. اما نکته جالب توجه این‌که اندیشمندان و محققینی که از نظام سرمایه‌داری به‌عنوان نظام اقتصادی نامناسب و نامعقول یاد می‌کنند (منجمله اندیشمندان نومارکسیست) هنوز به برخی از خصوصیات نامناسب این نظام پی نبرده و در مورد آن سخن نگفته‌اند.

در واقع در بازار آزاد هیچ نوع دست‌نامرئی وجود ندارد. به‌موجب نظریه اقتصاد سرمایه‌داری افراد خود قادر هستند به مناسب‌ترین صورت به فعالیتهای خود

پانویسها:

1. Richard Lipsey, Peter Steiner and Douglas Purvis."Economics". NewYork: Harper and Row, 1984, pp. 775 - 784.
2. Robert Cox."Produvtion, Power and world order". NewYork: columbia university pless, 1987.
- 3 James cypher."The crisis and the Restructuring of capitalism in the periphery" in paul Zaermbka (editor)."Research in political Economy". Greenwich: JAI Press, 1988, pp. 45 - 81.

۴. جهت پی بردن به ابعاد مختلف این مسئله رجوع شود به:

Nation, July 15/22 1996.

5. Robert Cox, chapter 8.
6. Nigel Thrift."The Geography of International Economic pisorder" in R. Johnston and P. Taylor (editors)."A world in crisis?" London: Basil Biackwell, 1988, P. 42.
7. David Korten."The Limits of the Earth" in Nation July 15r/22 1996, P. 15.
8. Nigel Thrift, PP. 20 - 40.
9. Milton Friedman."Capitalism and Freedom". chicago: University of chicago press, 1962.

۵۳



● نظام سرمایه‌داری در واقع به نوعی ساختار اقتصادی اطلاق می‌گردد که در آن عاملین تولید از طریق استخدام نیروی کار و بکار بردن تجهیزات لازمه به دنبال افزایش درصد سوددهی خود هستند.

افراد باید همواره اقداماتی برای جلوگیری از اقدامات زیان‌آور دیگران به مرحله اجرا بگذارند. در بازار آزاد احتمالاً افراد به دفعات متضرر شده و در نتیجه در موقعیت نامناسبی قرار می‌گیرند. دست نامرئی نظام سرمایه‌داری در واقع به پیشبرد منافع مردم کمک نمی‌کند بلکه برای آنها زیان‌آور و مشقت‌بار می‌باشد و از این جهت رشد گسترش نظام سرمایه‌داری در دهه‌های اخیر باید موجب نگرانی ما گردد.

سامان ببخشند و از این راه منافع خود را تأمین نمایند. این نظریه در حقیقت به ما می‌گوید که افراد قادر هستند در بازار فعالیت نموده و به نحو اصولی و صحیح در جهت دستیابی به اهداف مورد نظر خود گام بردارند. اما آیا ممکن نیست که افراد در محاسبه اهداف خود مرتکب اشتباه شوند؟ قطعاً هیچ‌گونه تضمینی وجود ندارد که مشارکت افراد در بازار آزاد همواره به نحوی مثبت و معقول صورت پذیرد. از این رو